

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۵۴۵/۱۰۹ رده بندی کنگره: د ۵۱۳/۲

تاریخ نگاری صخره ای ایران باستان

دکتر پریسا گنجی

معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمانشاه، دکتری تاریخ گرایش ایران قبل از اسلام

چکیده

سنت تاریخ نگاری در ایران پیش از اسلام به سبب فقدان آثار مکتوب از دوره ی قدیم و میانه ایران بدرستی مشخص نیست از اینرو نمی توان از تاریخ نگاری مستقلی دست کم تا زمان ساسانیان نام برد و ایرانیان بیشتر متمایل به حفظ سنن شفاهی بوده اند تا مکتوب کردن حقایق و رویدادهای تاریخی ، قدیمترین گزارش مکتوب با محتوای تاریخی - اساطیری در اوستا بویژه دردریشتها آمده است و از دوره ی مادها هیچ گونه اثر مکتوبی باقی نمانده است و از زمان هخامنشیان است که کتیبه هایی با محتوای تاریخی مانند کتیبه سه زبانه داریوش اول در بیستون بدست آمده است . که رویدادهای تاریخی ۲ سال اول حکومت داریوش را ثبت نموده است از اینرو تاریخ نگاری به معنی ثبت وقایع مهم و به صورت مکتوب و کتیبه ای از دوره ی هخامنشی در ایران آغاز شده که اولین کتیبه ها نیز از داریوش بجا مانده است و بسیاری مطالب تاریخی را می توان از بررسی و مطالعه کتیبه های صخره ای بدست آورد این رویکرد ثبت وقایع مهم که توسط پادشاهان بر روی صخره های مهم حک می شد در ادوار بعد نیز ادامه یافت . در عهد پارتیان با کمیت و کیفیت اندکی ولی در عهد ساسانیان شاهد رشد کمی و ارتقاء کیفی کتیبه ها و نقوش برجسته صخره ای هستیم . که از منابع مهم مستند مطالعاتی تاریخ نگاری در ایران باستان می باشند . که مکمل موثقی برای سایر آثار مکتوب تاریخی این عهد از جمله خداینامه ها هستند .

واژگان کلیدی: تاریخ نگاری ، کتیبه ها ، ایران باستان ، نقوش صخره ای

بخش اول: کلیات

تاریخ نگاری و تاریخ نگری کتیبه ای و صخره ای در ایران باستان بارمزگشایی خطوط باستانی از قرن نوزدهم میلادی مورد توجه مورخین و باستان شناسان قرار گرفته است و تا کنون مطالعات و تحقیقات متنوعی در این راستا صورت گرفته است. سنت تاریخ نگاری در ایران پیش از اسلام به دلیل عدم وجود آثار مکتوب از دوره های تاریخی قبل از اسلام در ایران بر ما روشن نیست لذا مهم ترین منابع تاریخ نگارانه در ایران باستان شامل کتیبه های صخره ای، سال نامه ها و متون تاریخی و جغرافیایی می باشند که بسیاری از آنها در ازمه ی مختلف از بین رفته اند در میان منابع ذکر شده کتیبه های عهد هخامنشی، اشکانی و ساسانی با محتوای تاریخی مانند کتیبه ی سه زبانه داریوش اول در بیستون تبیین کننده ی شیوه ی تاریخ نگاری در ایران عهد باستان می باشد که تقریباً در بیشتر کتیبه ها شیوه ی نگارش یکسانی رعایت شده است که مضمون اصلی آنها ذکر فتوحات، روی کار آمدن شاهان و حوادث برجسته سیاسی می باشد. که در حقیقت داریوش اولین مورخ ایرانی است که شرحی تاریخی، مستند و مدون ارائه می دهد که نشانگر این واقعیت است که تاریخ نویسی به معنی ثبت وقایع مهم و به صورت مکتوب از دوره ی هخامنشی در ایران آغاز گردیده است و در ادوار بعدی یعنی اشکانی و ساسانی نیز ادامه یافته است با این تفاوت که در دوره ی اشکانی منابع و مراجع تاریخ نگارانه اندک و کمیاب است. و با روی کار آمدن سلاطین ساسانی مجدداً نگاری کتیبه ای و صخره ای در ایران شکوفا شده و منابع حاکی از رشد کمی و کیفی نگارش های تاریخی در این دوره است. در این دوران نیز مانند عهد هخامنشی انعکاس وقایع و حوادث و رخداد های مهم سیاسی و فتوحات را در کتیبه ها شاهد هستیم. که نخستین آثار تاریخ نگاری این دوره کتیبه های اردشیر ساسانی، شاپور و نرسی است که در این مقاله سعی شده است تا با مطالعه منابع

مختلف به بررسی شیوه ی تاریخ نگاری صخره ای در ایران باستان پرداخته شده است و با توجه به گستردگی کار و تعداد زیاد کتیبه های صخره ای در ایران قبل از اسلام به بررسی مهمترین کتیبه های هر دوره و سلسله پرداخته می شود که امید است مورد استفاده دانش پژوهان قرار گیرد و کاستی ها را بر نگارنده ببخشایند . وجود کتیبه های صخره ای تنها آثار تاریخ نگاری مستند از عهد باستان ایران می باشد که امروز ، به دست ما رسیده است. و با رمز گشایی خط میخی فارسی باستان بود که سلسله ی هخامنشی و شاهان آن سلسله از تاریکی تاریخ بیرون کشیده شدند چون از این سلسله مطلب روشنی نه در شاهنامه و نه در متون تاریخی مکتوب که از عهد ساسانی بجای مانده است نیامده و در واقع سلسله ی هخامنشی را با سلسله کیانی چنان درهم آمیخته اند که فقط ترجمه خطوط باستانی حقایق را بصورت مستندی روشن ساخت البته سنت حفظ کردن و تأکید بر نقل قول کردن شفاهی تاریخ تا مکتوب کردن آن در ایران باستان می تواند یکی از دلایل اشتباه تاریخی یکی دانستن سلسله هخامنشی و کیانی باشد که در واقع با گذشت زمانی حدود ۶ قرن بعد از هخامنشیان که ساسانیان روی کار آمدن سنت شفاهی باعث دخل و تصرف در اسامی و حوادث تاریخی شده و منجر به اشتباه فوق شود.

بخش دوم: بررسی تاریخ نگاری صخره ای در عهد هخامنشیان

در ایران قبل از اسلام همانند دیگر جوامع انتقال دانش و معرفت به طور عمده بر منقولات شفاهی استوار و اسناد و کتب مکتوب اندک بوده است . با این وجود شواهد و آثار صخره ای بجای مانده مبین آن است که تاریخ نگاری به معنای ثبت و ضبط وقایع مهم در ایران مرسوم بوده و دبیرانی به این امر مهم مبادرت داشته اند . (محمدی، ۱۳۷۴، ۱۴۹)

۳ | اشارات تاریخی و آثاری که از عصر باستانی خصوصاً عهد هخامنشی بر جای مانده گویای آن است که شاهان و فرمانروایان ایرانی به حوادث بزرگ و حفظ اسناد حکومتی به ویژه

ضبط وقایعی که موجبات شهرت و آوازه‌ی نام آنان را فراهم می‌کرده علاقه خاصی داشته‌اند (محمدی، ۱۳۷۴، ۱۵۱-۱۵۰) شیوه‌ی تاریخ‌نگاری عهد هخامنشی در کتیبه‌های این دوره به خوبی انعکاس یافته است. و با بررسی آنها روشن می‌شود که غالباً مضمونی شبیه بهم دارند. این کتیبه‌ها با ستایش اهوره مزدا آغاز شده، آنگاه شاه به معرفی خویش و تبارش می‌پردازد، سپس به بیان روایت تاریخی که مضمون اصلی کتیبه است می‌پردازد. این روایت‌های تاریخی معمولاً به ذکر نام سرزمین‌های تحت سلطه و یا ساخت یک بنا و مواد ساختمانی آن یا فرونشاندن شورش بود ذکر این وقایع تاریخی در برخی کتیبه‌های مفصل از جمله کتیبه بیستون، با رنگ حماسی مطرح می‌شود و سرانجام کتیبه‌ها با یک جمله‌ای دعایی نیایش یا اندرزی خاتمه می‌یافت. که این سبک نگارش را می‌توان در اکثریت کتیبه‌های صخره‌ای عهد هخامنشی و ازمه‌ی قبل و بعد از آن نیز مشاهده کرد. و نکته‌ی دیگر در باب کتیبه‌های هخامنشی مبحث چندزبانه بودن آنها است که معمولاً به سه زبان یا دو زبان مطرح آن روزگار که شامل فارسی باستان، عیلامی و بابلی میشد به نگارش درآمده‌اند. این کتیبه‌ها در جاهای مختلف ایران نوشته شده‌اند. مرحوم پیرنیا تعداد آنها را که تا کنون کشف شده است چه بر بناها و صخره‌ها و چه بر آثار و اشیاء حدود چهل اثر می‌داند که مهمترین و مفصل‌ترین آنها کتیبه‌ی داریوش بزرگ بر صخره کوه بیستون می‌باشد که در این فصل به آن پرداخته میشود. اما قبل از اینکه به بررسی مهمترین سنگنوشته‌های عصر هخامنشی بپردازیم لازم است که ابتدا نگاهی اجمالی به مراحل رمزگشایی خط میخی فارسی باستان داشته باشیم.

بخش سوم: رمزگشایی خط فارسی باستان

خط فارسی باستان که به سبب همانندی به میخ نخستین بار به وسیله انگلبرت کمپفر خط میخی نامیده شد، نظامی خطی است که در اصل به عنوان خطی تصویری به وسیله‌ی

سومری ها اختراع شد. استمرار در نوشتن این خط سبب شد که کم تصویرها تغییر شکل دهند و به میخ همانند شوند این دگرگونی ها را در مواردی می توان در شکل نشانه های میخی باز شناخت (یوهانس، ۱۳۶۵، ۳۹) در هزاره نخست پیش از میلاد ظاهراً داریوش، پادشاه هخامنشی با استفاده از شکل های میخی، خط فارسی باستان را ابداع کرد. این خط بدان گونه که از سنگ نبشته های سه زبانه بر می آید تنها در استفاده از شکل میخ با خط میخی بابلی و ایلامی مشترک است بنابراین خط میخی فارسی باستان را باید آخرین دگرگونی این خط و اوج شکوفایی آن دانست (راشد محصل، ۱۳۸۴، ۲۳).

نخستین آگاهی درباره کتیبه های فارسی باستان را پیترو دلواله ایتالیایی^۱ به اروپاییان داد. او متوجه شد که این آثار نوشته هایی است که از چپ به راست نوشته میشود. قبل از دلواله، گارسیاس دوسیلوا فیگوروا^۲ به وجود کتیبه ای در تخت جمشید که آن گاه «چهل منار» خوانده میشد پی برد و در کتاب خود که در ۱۶۶۷ در پاریس به چاپ رسید به این نکته اشاره کرد، اما دلواله به نکته ای درست پی برد که آغاز مطالعه علمی در زمینه این خط به شمار می آید. دلواله مشاهدات خود را در سال ۱۶۷۴ در ژنو منتشر کرد و در آن پنج نشانه از نویسه هایی که در کتیبه ها به کار رفته بودند رونویس کرد و انتشار داد (لوکوک، ۱۹۹۷، ۲۳ - ۲۲). شاردن^۳ فرانسوی در ۱۶۷۸ رو نوشت یک سنگ نبشته را تهیه کرد و جزا و نیز افرادی مانند گملی گاروری^۱ و دیگران هر کدام رونوشت هایی از سنگ نبشته هایی از سنگ نبشته ها فراهم کردند که هر چند آگاهی هایی را به دیگران می داد. اما برای پژوهش های علمی مناسب نبود. مطالعه علمی را کارستن نیبور دانمارکی پایه گذاری کرد. او با دقت تمام از کتیبه های g و d و Dpa و e و xpb رونوشت تهیه کرد و آنها را در کتابی به سال ۱۷۷۸ انتشار داد و نخستین کسی بود که متوجه شد که کتیبه ها به سه زبان است و یکی از این زبانها ساده تر است (فارسی باستان) و زبان دوم (ایلامی) تا

حدودی پیچیده و سومین (بابلی) بسیار دشوار است. (راشد محصل، ۱۳۸۱، ۲۴). شهر شوش پیش از روی کار آمدن هخامنشیان و ازدیرباز مهمترین پایتخت عیلام بود و در حقیقت استقرار و ساخت و سازهای دوره ی هخامنشی در این شهر دنباله ی تاریخی دراز آن به شمار می رود در کتاب کهن دیار درباب ساخت و سازهای داریوش و کتیبه های او در شوش چنین آمده است. « داریوش در همان نخستین سال های به حکومت رسیدنش، دستور داد بر روی خرابه های شهر ویران شده شوش، کاخی زیبا و با شکوه فراخور امپراطوری عظیم پارس بسازند. این کاخ که آپادانا نام داشت با ستون های سنگ مرمر و آجرهای لعاب دار رنگی چنان تزئین شده بود که زیبا ترین کاخ جهان نامیده میشد. در حفاریهای انجام شده در این کاخ کتیبه ای کشف شد که در آن از زبان داریوش مراحل ساخت کاخ آپادانا توضیح داده شده است. در بندهایی از این کتیبه آمده است: خدای بزرگی است اهورا مزدا، او که آسمان را آفرید، که این زمین را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد ... منم داریوش شاه، شاه شاهان، شاه این سرزمین، پسر ویشتاسب هخامنشی ... این کاخی است که من در شوش ساختم ... به دستور من آشوریان چوب درخت سدر را از کوههای در لبنان به بابل آوردند و از آنجا یونانی ها به شوش حمل کردند ... طلایی که در اینجا بکار رفت از سارد و سنگهای گرانبهای لاجورد و عقیق از خوارزم و بلخ آورده شد ... نقره و آبنوس را از مصر، و عاج را از حبشه و هند آوردند و سنگ ستون ها را از تپه هایی در پارس ... سپس طلاکاران از مصر و ماد، نجاران از لودییه، آجر سازان از بابل و تزئین کاران از مصر و ماد آمدند و کاخ شوش را چنان زیبا و با شکوه ساختند که خواست من بود ... گوید داریوش شاه، اهورا مزدا مرا و پدرم ویشتاسب را و سرزمین پارس را بپایاد. (محمد پناه، ۱۳۹۱، ۶۲).

(. در این رابطه مورخین اروپای شرقی در کتاب تاریخ جهان باستان جلد اول معتقدند که

ایده ساخت کاخ عظیم آپادانای شوش توسط داریوش از سایر ملل گرفته شده است و این مسئله را چنین آورده اند: «آثار معماری و مجسمه سازی ایران قدیم ما را با هنر ایران آشنا می سازد نمونه هایی از معماری که تا اینزمان باقیمانده است، مانند خرابه های کاخ شاهی در شوش و تالار صد ستون کاخ تخت جمشید، نشان می دهد که این هنر - هر چند بصورت هنری ملی باقیمانده - معهذ از آثار مربوط به ملل پیشرفته تری که بوسیله ی پارس ها مغلوب شده اند الهام گرفته است. چنانکه ساختمان کاخ صد ستون از مصر، کتیبه کمانداران شوش از آشور، و ساختمان کاخ برفراز سکوه های وسیع و تزئین آن باکنده کاری از آسیای صغیر گرفته شده است. ولی در مجموع هنری اصیل است و جنبه های خاص خود را دارد. کتیبه ی داریوش اول درباره ی ساختمان کاخ شوش نشان می دهد که این کاخ بوسیله ی اسیران ایونی، مصر، بابل، لیدی و دیگران ساخته شده است. فرمانروایان مستبد هخامنشی در بناهای معظم خود قدرت و ثروت امپراطوری خویش را نشان می دادند. (کاژدان - آبراموویچ، جلد ۱، ۱۳۸۳، ۲۶۱). در اینجا ذکر این نکته ضروری است که آنچه که داریوش در کتیبه ی ساخت کاخ آپادانای شوش ذکر می کند در واقع تاریخ نگاری ساخت ابنیه و قصور سلطنتی است که به ثبت تاریخ ساخت این بنا و شیوه ساخت و چگونگی تهیه مصالح آن که بنوعی قدرتمایی نیز می باشد پرداخته است.

بخش چهارم: کتیبه بزرگ بیستون

مجموعه آثار تاریخی بیستون یکی از مهمترین و در عین حال منحصر به فرد ترین آثار باقیمانده از روزگار باستان است. آثاری که در ۳۶ کیلومتری کرمانشاه در مسیر جاده ای که از این شهر به همدان می رود واقع گردیده است. دیو دور سیسلی این محل را بغستان

به معنی خانه خدایان خوانده و یا قوت حموی آنرا بهستان نامیده، داریوش در انتخاب ۷ | محل برای پایدار کردن قسمتی از کارهای خود نظری صائب داشته چرا که در واقع

در نزدیکی دروازه بوده که بنا به فرمان داریوش بر تخته سنگی عظیم حجاریهایی کرده و کتیبه‌هایی نوشته همان کتیبه‌هایی که به کتیبه‌های بیستون مشهور است. از عمر این کتیبه‌ها بالغ بر ۲۵۰۰ سال می‌گذرد اما با توبه به اینکه در ارتفاع و دور از دسترس بوده تا کنون سلامت مانده است. نقش برجسته صخره‌ای مربوط به کتیبه بیستون به واقعه بردیای دروغین مربوط است و ده حاکمی که در آغاز سلطنت داریوش هر یک در خطه‌ای از سرزمین‌های پهناور شوریدند و به هرج و مرج پرداختند و توضیح می‌دهد که چگونه این فرمانروای مدیر و مدبر در بدو سلطنت از عهده ناملایماتی برآمد که می‌رفت تا دودمان این خاندان را بر باد دهد. شرح این حجاری چنین است: در بالا فروهر پرواز می‌کند و داریوش به تقدیس اهورامزدا دست راست را بلند کرده و پای چپ را بر سینه‌ی گئومات مغ قرار داده که به پشت خوابیده در پشت سر داریوش دو تن از درباریان ایستاده‌اند و در مقابل شاه نه تن از شاهان یاغی دست بسته و یکی پس از دیگری قرار گرفته‌اند که در کتیبه معرفی می‌شوند. در این مکان دو کتیبه دیگر از داریوش باقی است. یکی به کتیبه بزرگ و دیگری به کتیبه‌ی کوچک مشهور است. کتیبه بزرگ به سه زبان پارسی، عیلامی و بابلی و کتیبه کوچک بواسطه کمی جا نسخه بابلی ندارد و لذا شاید بتوان گفت که نا تمام مانده است. این کتیبه‌ی بزرگ که در واقع بزرگترین کتیبه و نقش برجسته باقی مانده از هخامنشیان می‌باشد در پنج ستون که ستون اول دارای ۱۹ بند می‌باشد و ستون دوم دارای ۱۶ بند و ستون سوم ۱۵ بند و ستون چهارم در ۲۰ بند و ستون پنجم در ۶ بند می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۱، ۹-۷). در کتاب کهن دیار جلد اول در مورد تصاویر و نقش برجسته‌های بیستون چنین آورده شده است: در نزدیکی شهر کرم‌ن‌شاه و بر بلندای کوه معروف بیستون، سنگ نگاره‌ای از داریوش بزرگ به طول ۲۰ و عرض ۸ متر حک شده است. این سنگ نگاره که یکی از با ارزش‌ترین اسناد تاریخی بجای مانده از دوران

باستان در جهان محسوب می شود از یک نقش برجسته و چهار کتیبه به خط عیلامی ، بابلی و پارسی تشکیل شده است. در نقش برجسته ، داریوش با قامتی بزرگ و چهره ای جذاب در حالی که تاج کنگره دار زیبایی بر سر دارد، دست راست خود را به نشانه ی احترام به سوی فرشته ی فروهر^۱ بلند کرده و در همان حال که کمان شاهی را در دست دیگرش گرفته ، پای چپ خود را روی سینه ی گئوماتای غاصب گذاشته است . جلوی او ۹ تن از شورشیان در حالی که دست هایشان از پشت بسته و گردنشان با طنابی به هم وصل شده است قرار دارند . پشت سر داریوش هم نقش یک کماندار و یک نیزه دار پارسی حک شده است . همچنین در ابتدای کتیبه هایی که اطراف نقش برجسته ها نگاشته شده ، داریوش خود را معرفی کرده و سپس تمامی وقایع دو سال نخست سلطنتش را توضیح داده است . در بخش های از این کتیبه آمده است : منم داریوش ، شاه بزرگ ، پسر ویشتاسب ، ویشتاسب پسر آرشام ، آرشام پسر آریا منه ، آریا منه پسرش چیش پش ، چیش پش پسر هخامنش . گوید داریوش شاه این سرزمین هایی است که من به خواست اهورامزدا پادشاه آنها شدم : پارسی ، ماد ، عیلام ، بابل ، آشور ، عرب ، مودرای (مصر) ، اهل دریا (فنیقیه) ، یونان (جزایر غرب ترکیه) ، ارمنستان ، زرننگ (سیستان) ، ... جمعاً ۳۲ کشور (محمد پناه ، ۱۳۹۱ ، ۵۷-۵۶). در پایان مبحث کتیبه بیستون چنین مستفاد میشود که داریوش بزرگترین کتیبه اش را به سه زبان مهم آن روزگار یعنی عیلامی ، بابلی و پارسی باستان می نویسد . که این مسئله بیانگر احترام داریوش به فرهنگ و زبان ملت های دیگر است . و با بررسی دقیق کتیبه بیستون و کتیبه ی استوانه ای کورش می توان به نتایج مهمی رسید از جمله اینکه کوروش و داریوش عموزاده محسوب می شدند چرا که هر دو در کتیبه هایشان خود را از نوادگان چیش پش هخامنشی معرفی کرده اند .

بند اول: نفوذ و تأثیر کتیبه بیستون در سایر آثار

نفوذ نقش بیستون در بسیاری دیگر از آثار هنری ایران بیش از همه معلول این موضوع است که استادانی که در نزد هخامنشیان کار می‌کردند سنت های فرهنگی را که از دیگران اقتباس و اتخاذ نموده بودند در نهایت مهارت مورد عمل قرار داده آنرا ترقی می‌دادند. نقش بیستون یکی از برجسته ترین نمونه های هنری ایران باستان است که از لحاظ دقت و ظرافت به هیچوجه از آثار و نقش های تخت جمشید کمتر نیست. نقش های بیستون از آنجایی که تصاویر افرادی چند را نشان می‌دهد، از لحاظ نمودن خصوصیات و کیفیات نژادی ملت‌های مختلفی که جزو امپراطوری هخامنشیان بودند، منبع پر ارزشی به شمار می‌آید. شرق شناس معروف روسی «ن. خانیکوف» یاد آور شده که نقش بیستون یک نمایشگاه واقعی نژاد شناسی است. تصاویر و نقوش بیستون متمم و مکمل نقوش تخت جمشید و نقش رستم می‌باشد «ویسباخ» نقوش کاخ های هخامنشیان و مقبره‌های آنها را به نام موزه ی پر ارزش و مخصوص نژاد شناسی نامیده است. (داندامایف، ۱۳۷۳، ۱۲۸). محققان که در محل بیستون در امر مطالعه و بررسی کتیبه اقدام نموده اند به این نتیجه رسیده اند که این کتیبه ها و نقوش از سایر آثار هخامنشیان دقیق تر تهیه شده است. کلیه ی شکافها و سوارخهای کتیبه و نقوش برای استحکام و دوام به وسیله ی سرب مذاب پر شده است.

بند دوم: مهمترین کتیبه های تخت جمشید

داریوش به محض رسیدن به قدرت اقدام به ساختن کاخ با شکوهی کرد که هم نشان دهنده ی حیات جدیدی در خاندان هخامنشی و هم حاکی از انفصال بنیادی از شاخه ی میهنی این خاندان بود که مقر سیاسیش در پاسارگاد بود این کاخ یا به عبارت دقیقتر مجموعه بناهای این کاخ حدود سال ۵۲۰ آغاز شد و اخلاف داریوش تا زمان هجوم اسکندر، که منجر به ویرانی این بنا گردید، همچنان بی وقفه دست اندر کار مرمت، تغییر

و توسعه آن بودند. تقریباً تمام پادشاهان کتیبه ای در آن بر جای گذاشته اند. تمام این بناها روی صفّه ی عظیم چارگوشی به مساحت حدوداً ۴۵۰ متر طول در ۳۰۰ متر عرض قرار دارد که تقریباً جهت آن از شمال غربی به جنوب شرقی است. و بر دامنه ی کوه رحمت قرار دارد (لوکوک، ۱۳۹۰، ۱۰۱). وقتی آدمی به این مجموعه بی نظیر نظر می اندازد قدرت، عظمت، هنر و نظم را به یاد آورد که نقطه ی عطفی در تاریخ معماری جهان است. انتخاب محل احداث آن در دامنه کوه رحمت (مهر - میترا) به جهت احترامی بوده است که مردم به این کوه داشته اند زیرا مردم باور داشته اند زایش مهر از درون کوه بوده است. به همین خاطر هخامنشیان مرده هایشان را در دامنه کوه نقش رستم (که در آینده به آن خواهیم پرداخت) و کوه رحمت دفن می کردند (شریعت زاده، ۱۳۸۹، ۱۸). روی دیوار جنوبی این صفه نزدیک زاویه ی غربی داریوش دستور داده است چهار کتیبه را در کنار هم حکاکی کنند (Dpg, Dpf, Dpe, Dpd) این کتیبه ها روی صخره ی بزرگی به طول هفت متر و ارتفاع حدوداً دو متر قرار دارد که در دیواری کار گذاشته شده است که این صخره بخش بالایی آن را تشکیل می دهد. این کتیبه ها تریبی را تشکیل می دهند. کتیبه نخست اختصاص به گرامیداشت قوم پارس دارد (بند ۲) و از اهوره مزدا در خواست می شود که از آنان پشتیبانی کند (بند ۳) کتیبه دوم فهرست اقوامی است که زیر فرمان سپاه پارس هستند (بند ۲) کتیبه عیلامی تنها کتیبه ای است که به وضوح به بنای این ساختمان اشاره می کند. کتیبه ی بابلی با متنی آغاز می شود که محتوای آن درباره ی تکوین جهان است. این سرآغاز در کتیبه های دیگر نیز مشاهده می شود. که خود بدون شک تأکیدی است بر تقارن میان آفرینش زمین بدست اهوره مزدا و بنای این کاخ توسط داریوش. (لوکوک، ۱۳۸۱، ۱۰۲-۱۰۱)

بند سوم: کتیبه های گورهای صخره ای شاهان هخامنشی

تقریباً همه ی نقوش برجسته بر فراز مقبره های شاهان هخامنشی شاه را در حالی که برابر قربانگاهی که در آن آتش شعله ور است ، نشان می دهد که شاه شخصاً در حال تقدیم هدایا یا شرکت در مراسم قربانی است . دیده می شود . بر بالای سر شاه قرصی بالدار است که تعبیر گوناگون تا کنون درباره ی آن توسط خاورشناسان و باستان شناسان ارائه گردیده است . این نقش و تصویر بر فراز نقش برجسته بیستون و در پاره ای از ساختمان های تخت جمشید دیده می شود این شیوه پیکرنگاری تقلیدی از مصریان است و چنین تصویری ترسیمی از هروس^۱ خدای بزرگ ، خدای آسمان و معروف و مظهر آن است . (خدا دادیان ، ج اول ، ۱۳۸۶ ، ۴۸۶) پس از کتیبه بیستون معروفترین کتیبه داریوش موسوم به کتیبه ی نقش رستم است که اطلاعاتی راجع به وسعت ایران آن زمان می دهد . و چون این کتیبه وسعت ایران را در آن زمان می رساند قسمتی از آن را در اینجا می آوریم تا ضمناً نمونه ای هم از انشای آن زمان و عناوین والقباب شاهان هخامنشی باشد . « خدای بزرگی است اهورمزد که این زمین را آفریده ، که آن آسمان را آفریده که بشر را آفریده که خوشی را برای بشر آفریده که داریوش را شاه کرد ، یگانه شاهی از بسیاری ، یگانه قانونگذاری از بسیاری – منم داریوش شاه بزرگ شاه شاهان ، شاه ممالک ، شاه این بوم پهناور تا آن دوره ها ، پسر ویشتاسب ، هخامنشی ، پارسی پسر پارسی ، آریانی از نژاد آریانی ، داریوش شاه می گوید به اراده ی اهورمزد این است علاوه برپارسی ممالکی که در تصرف من است و برآن ها حکومت می کنم و به من باج می دهند و آنچه فرمان من است اجرا می کنند و در آنجاها قانون من محفوظ است . (پیرنیا ، ۱۳۹۱ ، ۱۴۳) آرامگاه بسیاری از پادشاهان هخامنشی به شکل استودانی است که در مرکز بنایی به شکل چلیپا (صلیب) بر سینه ی کوه کنده شده است . در شاخه ی بالایی این بنا نقش پادشاه در حالی

که کمان بر دست چپ گرفته و دست راست خود را به نشانه ی نیایش و احترام بسوی آتشدان و فرشته ی فروهر بلند کرده است ، بر روی تختی دیده می شود که نمایندگان ملل مختلف آن را بر دوش گرفته اند و گویی قصد دارند با عزت و احترام پادشاه را به سوی منزلگاه ابدیش همراهی کنند . در ۶ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید و بر سینه ی صخره ای بلند مقبره ۴ تن از پادشاهان هخامنشی چون داریوش بزرگ ، خشایار شا ، اردشیر اول و داریوش دوم و همچنین تصاویری از نبرد پادشاهان بزرگ ساسانی حک شده است . در آرامگاه داریوش بزرگ کتیبه ای به خط میخی وجود دارد که حاوی اندرزهای نیکویی است که از این پادشاه بزرگ ایران زمین به یادگار مانده است . (محمد پناه ، ۱۳۹۱ ، ۱۰۳ - ۱۰۲) در قسمت میانی آرامگاه در سنگی بزرگی دیده می شود که احتمالاً نمادی از ورود روح مرده از این جهان به دنیای آخرت است . در دو سوی این در ، چهار ستون با سرستون هایی از گاو دو سر دیده میشود که سقفی از شاه تیرها و شیران غران را بر دوش گرفته اند . داخل دخمه (استودان) نیز صندوق هایی به شکل مکعب مستطیل برای گذاشتن استخوان های مرده درون آن قرار دارد. (محمد پناه ، ۱۳۹۱ ، ۱۰۴)

بخش پنجم: کتیبه ی داریوش در کانال سوئز

در زمان داریوش بزرگ مصر یکی از استان های امپراطوری ایران محسوب می شود و در کتیبه ها نیز با عنوان ساتراپ ششم از آن یاد شده است . داریوش در سفری که به مصر کرد اقدامات مفید بسیاری برای ساکنان آنجا صورت داد که یکی از مهمترین آنها ساخت و تکمیل کانال سوئز بود . پس از تکمیل کانال داریوش دستور داد برای ثبت این کار عظیم ، لوح سنگی بزرگی در ورودی آن نصب کنند . این کتیبه ی مشهور در سال ۱۸۶۹

توسط مهندسی که برای لایروبی کانال سوئز فعالیت می کردند به طور اتفاقی کشف شد و پس از انتقال به فرانسه به موزه ی لوور پاریس اهدا شد . روی این لوح به خط

هیر و گلیف مصری و میخی پارسی نوشته شده است: خدای بزرگی است اهورا مزدا او که این زمین را آفرید مردم را آفرید ... گوید داریوش شاه من پارسی هستم که مصر را تسخیر کردم و فرمان دادم تا این آبراه را حفره کنند از رود نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌آید^۱. این کانال حفر شد، چنانکه من دستور دادم و کشتی‌ها روان شدند چنانکه اراده من بود. (محمدپناه، ۱۳۹۱، ۶۹-۶۸) نسخه مصری این کتیبه مخصوصاً جالب توجه است، از این حیث که نشان می‌دهد رفتار داریوش در ممالک تابعه چگونه بوده است. در نسخه ی مصری اینتاریوش (یعنی داریوش) فرعون مصری و بنابراین زاده نیت مادر خدایان و برادر «را» الهه آفتاب می‌باشد و از تمام فراغنه قبل قوی شوکت تراست، زیرا تمام مردمان را تابع مصر نموده، در فهرست ممالک تابعه اول پارس و بعد ماد و در آخر مملکت سکاها ذکر شده است. (پیرنیا، الف، ۱۳۹۱، ۱۴۳)

بند اول: بدعت مذهبی در کتیبه اردشیر دوم

اردشیر دوم (منمون یعنی با حافظه) بر خلاف داریوش که در کتیبه‌های خویش جز از اهورا مزدا خدای بزرگ از خدایان دیگر بنام و نشان یاد نمی‌کند، در طی چند کتیبه ی خود برای اولین بار «میترا» و آناهیتا را نیز در ردیف نام اهورا مزدا ذکر می‌کند و از این هر سه خدا برای حفظ خود، سلطنت خود و کارهای خود یاری می‌جوید در نزد بعضی از محققان امریست که در تاریخ عقاید هخامنشی‌ها تازگی دارد و غالباً آن را نشان تحول بارزی می‌دانند که در طی زمان در عقاید و ادیان ایرانیان پیش آمده است و محتمل است از تأثیر بابل و آناتولی خالی نباشد. البته ذکر نام این دو ایزد در ردیف اهورامزدا در کتیبه‌های موجود هخامنشی بدون شک تازگی دارد و ذکر نام این دو خدا از تمام خدایان دیگر در کتیبه ی اردشیر باید متضمن معنایی باشد که حاکی از ارتباط آنها با شخص اردشیر باشد این توسل اردشیر به آناهیتا و میترا گمان می‌رود مخصوصاً بخاطر تأثیری باشد که

این دو خدای دیگر مخصوصاً در حفظ و حمایت از وجود وی سلطنت وی و کارهای وی داشته اند. (زرین کوب، ۱۳۸۶، ۱۹۲)

بند دوم: بررسی تاریخ نگاری صخره ایی در عهد پارتیان

اشکانیان از قوم پارت بودند از ایالت پارتیا که مشتمل بر خراسان فعلی بود بر خاستند. نام سرزمین پارت در کتیبه های داریوش پرثوه آمده است که به زبان پارسی پهلوی می شود چون پارتیان از اهل ایالت پهلوه بودند از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می توان خواند. ایالت پارتیا از مغرب به دامغان و سواحل جنوب شرقی دریای خزر و از شمال به ترکستان و از مشرق به رود تجن و از جنوب به کویر نمک و سیستان محدود می شد. قبایل پارسی در آغاز با قوم داهه که در مشرق دریای خزر می زیستند در یک جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شده در ناحیه خراسان مسکن گزیدند. و در سال ۲۵۰ ق. م. ارشک نامی که از سرکردگان قبایل پارسی بود و در دره ی رود اترک می زیست با برادرش تیرداد همدست شده و برآنتیوخوس دوم سلوکی بشورید و دولت اشکانی را تشکیل داد (مشکور، ۱۳۸۱، ۶۱). پارت ها یا اشکانیان بیش از چهارصد و هفتاد سال (۲۵۰ ق. م. تا ۲۲۶ ب. م.)، دست کم اسماً بر ایران بزرگ فرمانروایی کردند در حالی که نام سلسله ی طایفگی شان مدت زمانی بیش از این سرشناس بوده است. بایستی بخاطر داشت که قلمرو حکومت پارتیان به هنگام اوج متصرفات آن سرزمینی بسیار وسیع تر از ایران کنونی را در بر می گرفت و شبه قاره هند، بین النهرین، ارمنستان و برخی از نواحی تحت نفوذ هند و ایرانی را شامل می شد (بوسایلی، شراتو، ۱۳۷۶، ۵).

بند سوم: تاریخ نگاری در عهد اشکانیان

منابع تاریخ نگاری صخره ای در عهد اشکانیان نسبت به هخامنشیان بسیار اندک می باشد و کتیبه های بدست آمده از این دوره محدود بوده و بیشتر از منطقه میان رودان بدست آمده اند و این مسئله دلایل مختلفی داشته که جای تأمل دارد و اطلاعات تاریخی ما از این

دوره بیشتر از طریق منابع یونانی و رومی بدست آمده و علاوه بر آنها سکه‌های این دوره نیز خود منبع مهمی برای کسب اطلاعات تاریخی می‌باشد که توسط مورخین مورد استفاده قرار گرفته است. مشکل کیفی دیگر از سرشت اشرافی تاریخ‌نگاری ایران ناشی می‌شود که این رویه پس از هخامنشیان در دوره‌ی اشکانیان و ساسانیان نیز ادامه یافت و کلام مکتوب وسیعاً در انحصار طبقه‌ی دبیران و روحانیون بود از اینرو درباره‌ی نگاشتن تاریخ در دوره‌ی پارتیان و نوشته‌های تاریخی منسوب به این عصر آگاهی چندانی نداریم. البته عده‌ای از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که آثار کتیبه‌ای و مکتوب تاریخی پارتیان توسط ساسانیان از بین رفته است و از اینرو آثار باقیمانده از این سلسله بیشتر در خارج از مرزهای ایران یافت می‌شود. شاید بزرگترین دگرگونی در فهم ما از تاریخ پارتیان که بواسطه‌ی پژوهش‌های تازه حاصل شده به دوره‌ی زندگی شخصیتی مربوط می‌گردد که اکنون به گودرز یکم شناخته شده است. دو پیکره‌ی سنگی در بیستون که شکل ناقصی از آنها باقی مانده و در پای صخره‌ای قرار دارند که کتیبه‌ی داریوش بر آن کنده شده به این شخص اشاره دارند. کتیبه یونانی کنار تصویر شخص اخیر را شاه بزرگ میترادات یعنی مهرداد دوم نام می‌برد و چهار تن از اعیان عبارتند از گودرز شهربان شهربانان، یک نام که ناخواناست، مهرداد که دارای لقب یونانی (عضو شورای محرمانه) است و کوفاسانس که صورت اولیه نام کوهزاد است. در این پیکره پیداست که گودرز یکی از بلند پایه‌ترین کارگزاران شاهی در ایام این سلطنت بود. که الواح بابلی که بعد ها دوبواز توجه‌ی محققان را به آنها جلب کرده است نشان می‌دهند که از اوایل سال ۹۱ ق.م پادشاه اشکانی دیگری به نام گودرز عملاً بر بابل استیلا داشت. از اینرو چنین می‌نماید که در مدتی که گودرز بابل را در تصرف خود داشت مهرداد همچنان بر برخی نواحی ایران از جمله ظاهراً بر ماد و بین‌النهرین حکومت می‌کرد. (یارشاطر، ۱۳۸۷، ۱۴۳) همانطور که گفته شد با توجه به تعداد اندک آثار مکتوب و محدودیت آثار صخره‌ای و کتیبه‌های پارتی در

روشن شدن تاریخ نگاری آن دوره ، مورخین در تبیین حوادث تاریخی اشکانیان از مسکوکات آن دوره که تعداد نسبتاً زیادی نیز بدست آمده است استفاده کرده اند .

بند چهارم: کتیبه های اشکانی

کتیبه های پارسی اعم از نوشته های روی سنگ ، چرم ، سفال و فلز به خط منفصل یا خط کتیبه ای پارسی است و آثار کتیبه ای متعلق به دوره اشکانی اندک است . مهمترین کتیبه های پارسی که از دوره اشکانی و ساسانی برجای مانده است به شرح زیر است.

- ۱- کتیبه پارسی بر مجسمه هرکول : در سال ۱۹۸۴ میلادی مجسمه ای برنزی از هرکول الهه یونان در عراق کشف شد که بر آن دو کتیبه به زبان پارسی و یونانی حک شده است . متن پارسی روی ران چپ مجسمه حکاکی شده و آسیب دیده است . کتیبه یونانی ۴۶۲ سلوکی معادل ۱۵۱/۱۵۰ میلادی دارد که احتمالاً متعلق به بلاش چهارم پادشاه اشکانی است . بر اساس نوشته پارسی این مجسمه را بلاش پس از پیروزی بر مهرداد و بیرون راندن او از میشان از این ناحیه خارج کرده و آن را به معبد آپولو هدیه کرده است . (وثوقی ، ۱۳۸۷ ، ۵۶)
- ۲- سنگنوشته ی شوش : بر روی سنگ مزار قائمی در شوش کتیبه ای شش سطری به دستور اردوان چهارم آخرین پادشاه اشکانی برای خواستگ شهربان شوش کنده شده است . تاریخ این کتیبه ۴۶۲ اشکانی (برابر با ۱۴ سپتامبر ۲۱۵ میلادی) است . (آموزگار ، تفضلی ، ۱۳۸۲ ، ۱۷)

- ۳- سنگنوشته های کال جنگال . چندین کتیبه ی کوچک در کال جنگال نزدیک بیرجند در جنوب خراسان به دست آمده است که احتمالاً از نیمه ی اول

قرن سوم میلادی و متعلق به شاهزادگان اشکانی است. (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲، ۱۷)

۴- آثار دورا اروپوس: شهرباستانی دورا اروپوس در کنار رودخانه فرات و در محل صالحیه کنونی در سوریه قرار دارد. این شهر در حدود سال ۳۰۰ ق.م به دست یکی از سرداران سلوکوس اول ساخته شد. در حفاریاتی که در این شهر انجام گرفت نوشته‌هایی به فارسی میانه و پارسی کشف شد. این نوشته‌ها بر دیوارهای کتیبه‌ای در این شهر به دست آمد و توسط دبیران سپاه ایران بر روی دیوارها نوشته شده است و در آن آمده است که در فلان تاریخ دبیری به تنهایی به اتفاق دبیری دیگر به این کنیسه آمده است. بیشتر دبیران نامبرده شده اسامی زرتشتی دارند. بعضی از این نوشته‌ها تاریخ دار هستند که یکی از آنها تاریخ ۵۲۲ سلوکی (۲۱۱ میلادی) دارد. (وثوقی، ۱۳۸۷، ۵۶)

۵- کتیبه‌های لاخ مزار: در سال ۱۳۷۱ خورشیدی چند کتیبه آسیب دیده در لاخ مزار در ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند کشف شده این کتیبه‌ها که هنوز درست خوانده نشده‌اند از نظر خط شبیه به خط کتیبه‌های کال جنگال است و احتمالاً همزمان با آن می‌باشد. (وثوقی، ۱۳۸۷، ۵۷)

بخش ششم: نقش برجسته‌های صخره‌ای پارتی

نگاره‌های تنگ سروک از اواخر سده‌ی دوم میلادی و نگاره اردوان پنجم از سال ۲۱۵ میلادی که از شوش به دست آمده و در موزه‌ی آثار باستانی در تهران نگهداری می‌شود، حد توانایی یا تمایل هنرمندان دوره‌ی اشکانی را برای رساندن منظور نشان می‌دهند. ویژگی ثابت این نگاره‌ها توجه به اصل تمام رخ و رو به رونگری در آنها است. نمونه خوب دیگری از این نقش برجسته‌ها می‌توان به نیم تنه‌ی بلاش سوم (۱۴۸ یا ۱۴۹ تا ۱۹۰

یا ۱۹۱ میلادی) اشاره کرد، که از پالمیر به دست آمده است و چهره‌ی نجیب و آرام و گویای آن را می‌توان یکی از شاهکارهای هنری دوره‌ی پارتیان به شمار آورد. (رجبی، ۱۳۸۳، ۱۸۳-۱۸۲) در نقوش برجسته‌ی پارتی تأثیر هنر غربی کمتر است. در قدیمیترین نقش برجسته‌ی پارتی، متعلق به سال ۸۰ ق. م که در بیستون حجاری شده است، همان خصیصه‌هایی که در نقش برجسته‌های هخامنشی ذکر شد دیده می‌شود یعنی نقوش دارای صلابت و ابهت خاموش و آرام می‌باشند. تیپ انسانی نمایش داده شده است نه فرد خاص یا افراد مخصوص و به علاوه این تیپ خاص انسانی فاقد حالت و حرکت ویژه است. موضوعات مهم نقش برجسته‌های اشکانی اجرای مراسم و تشریفات سلطنتی، بخشیدن منصب‌ها، تشریفات مذهبی در برابر آتشگاه، جنگ، شکار و غیره است. (وزیری، ۱۳۷۳، ۱۴۵-۱۴۴)

بند اول: بررسی تاریخی نگاری صخره‌ایی در عهد ساسانیان

ساسان موبدی از دودمان نجبا بود و بر آتشکده‌ی آناهیتا در شهر استخر ریاست داشت پسرش بابک در شهر خیر در کنار دریاچه‌ی بختگان حکومت می‌کرد. بابک پس از ساسان جانشین پدر شد و خود را شاه خواند (در سال ۲۰۸م) چون بابک در گذشت، شاهپور جانشین او شد. میان دو برادر یعنی اردشیر و شاهپور نزاع در گرفت. اردشیر به برادر مهتر خود حسد می‌برد اما شاهپور بر حسب اتفاق بمرد و اردشیر در سال ۲۱۲ میلادی باسانی بجای او نشست. سپس اردشیر بر کرمان دست یافت و تا سواحل خلیج فارس پیش رفت. پس از آن شاد شاهپور شهریار اصفهان را بکشت و روانه‌ی اهواز شد و سرانجام در جنگ سختی که بین او و اردوان پنجم در هرمزگان در گرفت اردوان را شکست داد و با مرگ او سلسه‌ی اشکانی برافتاد. (مشکور، ۱۳۸۱، ۷۹) اردشیر شاهزاده‌ی ساسانی پس از آنکه در (۲۲۴ ب. م) آخرین پادشاه اشکانی را شکست داد، وارث

یکی از سه امپراطوری بزرگی گردید که قسمت اعظم دنیای متمدن آن زمان را به زیر فرمان داشتند. در مشرق امپراتوری نوبنیاد ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۲) قدرت سهمگین چین قرار داشت، و در مغربش امپراطوری «رومی - بیزانس» از سده ی سوم تا هفتم میلادی دولت ساسانی بر منطقه ای وسیع که از فرات و عراق و ایران امروزی می گذشت و تا آسیای میانه و افغانستان گسترش می یافت فرمانروایی داشت. در جبهه ی غربی با دستیابی هر یک از دو امپراطوری ایران یا روم به اندک چیرگی یا امتیازی، تعادل موجود بر هم می خورد و حال اینکه در مرزهای شرقی دولت ساسانی باید دائماً متر صد باشد که کدام یک از نیرو های قبیله ای در سرزمین های میان ایران و چین زور آور شده است و با تلاش و تدارکی مستمر آنها را سر جای خود بنشاند. (فریه، ۱۳۷۴، ۶۱)

بند دوم: تاریخ نگاری صخره ای عهد ساسانیان

تاریخ نگاری ساسانی وامدار داستانهای مذهبی و حماسی درباره پیشدادیان و کیانیان، روایت‌های حماسی و تاریخی پارتیان در مشرق و شمال شرق ایران یعنی خراسان قدیم و اساطیر موجود در اوستا و اخبار شاهان ساسانی است. در واقع حماسه های باستانی به صورت گزارشهای تاریخی درآمدند و مورخان درباری مطابق با عملکرد پادشاهان ساسانی تاریخ را به صورتی گزینشی نوشتند همانطور که پیشتر گفته شد در تاریخ نگاری ساسانی اشاره ای به تاریخ پادشاهان ماد و هخامنشی نشده است و پادشاهان هخامنشی و اشکانی را یکی دانسته اند. تاریخ نگاری صخره ای به تقلید از گذشتگان در عهد ساسانی نسبت به اشکانی از رشد چشمگیری در ابعاد کمی و کیفی برخوردار شده است و شاهان ساسانی رویدادهای مهم سیاسی و فتوحات و اقدامات خود را با نگاشتن بر روی صخره های عظیم آنها را ماندگار می کردند. نخستین آثار تاریخ نگاری این دوره کتیبه های اردشیر اول ساسانی بنیان گزار اینسلسله و فرزند و جانشینش، شاپور اول و نرسی است. که اکثریت آنها

در استان زادگاه ساسانیان یعنی در استان پارس نگاشته شده است. ولی از عهد شاپور دوم به بعد این یادمانهای سلطنتی به غرب و شمال غرب ایران انتقال یافتند که نمونه های مهم آنها آثار طاق بستان و کتیبه پایکولی نرسی می باشند . که حاوی مطالب مهم و مستندی از عهد ساسانیان می باشند . (فریه، ۶۵، ۱۳۷۴-۶۳)

بند سوم: کتیبه ها و نقش برجسته های صخره ای عهد ساسانیان

اندیشه ی به یاد بود گذاردن یا تبلیغ کردن رویدادی ملی یا اقدامی شاهانه به وسیله ی کنده کاری نقشی بزرگ بر دیواره های سنگی یا صخره های قائم کوهستانی سابقه ای دیرین دارد که دست کم در خطه ی مورد بحث ما به هزاره ی سوم ق . م می پیوندد و بار دیگر در دوره ی متأخر پارتی در ناحیه خوزستان - الیمایی - و مغرب ایران تجدید حیات می یابد . آنچه در مورد نقش برجسته کاری ساسانیان تازگی دارد یکی مقیاس بزرگتر و دیگر شمار فراوان آنهاست اکثر آن آثار که تعدادشان نزدیک به سی می رسد در ایالت زادگاه خاندان ساسانی یعنی پارس قرار دارند و متعلق به صد ساله ی اول پادشاهی آنان بوده اند سه صحنه ی یاد بودی دیگر کند کاری شده در سده های چهار و ششم ب . م در طاق بستان نزدیک کرمانشاه و باز یک نقش برجسته تک افتاده که متعلق به دوره ی پیشتری بوده در سلماس (آذربایجان) بر جا مانده اند . (فریه ، ۱۳۷۴ ، ۶۶-۶۳) خط هایی که در نوشته های کتیبه ای دوره ی میانه فارسی به کار رفته اند خط هایی هستند که مستقیم یا غیر مستقیم از خط آرامی امپراطوری گرفته شده اند . پاره ای از کتیبه ها نیز اصولاً به خط آرامی هستند . زبان آرامی که در دوره ی هخامنشیان به عنوان زبان اداری به کار می رفت پس از سقوط هخامنشیان نیز همچنان کاربرد داشت . سنگ نبشته های دوره

رجال و درباریان بلند پایه نوشته شده اند و در برابر گروه نخست باید آنها را سنگ نبشته های رجال و بزرگان درباری به شمار آورد بنابراین سنگ نبشته های این دوره در دو گروه جداگانه معرفی می شود. سنگ نبشته های شاهان نخستین ساسانی تا زمان نرسی، غالباً به سه زبان پارسی، فارسی میانه و یونانی هستند اما نوشت های درباریان و فرمانروایان محلی تنها به فارسی میانه است. (راشد محصل، ۱۳۸۱، ۸۴) کتیبه هایی که در آغاز دوره ی ساسانی نوشته شده اند غالباً با ترجمه پهلوی اشکانی و یونانی همراه است. مهمترین کتیبه های دوره ی ساسانی عبارتند از: کتیبه اردشیر اول در نقش رستم، کتیبه های شاهپور اول در نقش رجب و کعبه ی زردشت و حاجی آباد، کتیبه هرمز در نقش رستم، کتیبه نرسی در پایکولی، کتیبه های کرتیر روحانی زمان شاهان نخستین ساسانی در سر مشهد، ناحیه ای در نزدیکی کازرون، در نقش رستم، نقش رجب و کعبه ی زردشت، همگی به فارسی میانه و کتیبه مهرنرسی، بزرگ فرمدار (صدر اعظم) یزدگرد اول (سلطنت ۳۹۹-۴۲۰ م) بهرام پنجم، بهرام گور (سلطنت ۴۲۰-۴۳۸ م) و یزدگرد دوم (سلطنت ۴۳۸-۴۵۷ م) بر کنار رودخانه ی تنگاب در نزدیکی فیروز آباد به فارسی میانه (ابوالقاسمی، ج اول، ۱۳۷۵، ۱۵۷-۱۵۶)

بخش هفتم: کتیبه ها و نقش برجسته های اردشیر اول ساسانی

قدیم ترین کننده کاریهای صخره ای ساسانی در فیروز آباد قرار دارد و منسوب به اوایل سلطنت اردشیر اول است و هنوز قرار دادهای هنری پارسی را بازتاب می دهد. خود نقش برجسته بسیار کوتاه است و جزئیات با قلم کنی های بسیار زیبا ارائه شده و اشکال آن سنگین و فشرده ولی خالی از شکوه و عظمت نیست. یکی از نقش برجسته ها که بر روی دیواره صخره ای در دره ی تنگاب در نزدیکی جلگه فیروز آباد کنده کاری شده مرکب از سه صحنه مجزای جنگ تن به تن است که آشکارا مفهوم ایرانی از نبرد را در یک

سلسله از پیکارهای فردی نشان می‌دهد. در یکی از صحنه‌ها، اردشیر نشسته بر پشت اسب «چهار نعل» می‌تازد و دشمن خود اردوان پنجم آخرین شاه اشکانی را فرو می‌کوبد در صحنه دوم وزیر اشکانی پس از حمله شاپور اول فرزند اردشیر فرو می‌افتد. در آخرین صحنه هم مبارزه بین دو سرباز تصویر شده است. (بوسایلی، شراتو، ۱۳۷۶، ۶۷)

اغلب این برجسته کاریها اختصاص به دوماضمون دارند که هر دو به توسط اردشیر ارائه شده‌اند. یکی اعطای منصب شاهی از جانب مقامی ربّانی که عموماً اهورا مزدا بود و دیگری پیروزی پادشاه ساسانی بر دشمنانش. این هر دو مضمون در نقش برجسته بی‌همتای اردشیر در نقش رستم نزدیک شهر استخر یکجا به اجرا درآمده‌اند. این نقش برجسته را بسیاری از پژوهشگران «شاهکار» منحصر بفرد پیکرتراشی ساسانی دانسته‌اند. (فریه، ۱۳۷۴، ۶۶)

در این نقش برجسته اردشیر و اهورا مزدا نشسته بر روی اسبان خود و در حالت بسیار رسمی و پیش‌رونده نشان داده شده‌اند زیر سمهای یکی از اسبان بدن اهریمن قرار دارد که تجسمی از شر می‌باشد و در زیر سمهای اسب دیگر اردوان پنجم افتاده است. بن‌مایه و مضمون بدن لگد کوب شده دشمن یکی از نمونه‌های عادی این نوع نقشبرجسته‌ها است. (بوسایلی - شراتو، ۶۸)

در همین نقش برجسته در کتاب کتیبه‌های ایران باستان نوشته راشد محصل در رابطه با سندیت هویت اردشیر و اهورامزدا آمده است: در نقش رستم روی شانه اسب اردشیر در تصویری که وی نماد پادشاهی را از اورمزد می‌گیرد، سنگ نبشته‌ای به سه زبان بازمانده است که گونه فارسی میانه و پارتی آن هر یک دارای سه سطر و گونه یونانی آن چهار سطر دارد. متن سنگ نبشته این است: «این پیکر خداوندگار مزدیس اردشیر شاهنشاه ایران که (ش) چهار از ایزدان (است) پس (= پسر) خداوندگار بابک شاه» در همین تصویر بر روی اسب اورمزد نیز سنگ نبشته‌ای سه‌زبانه است که متن آن این است: «این پیکر اورمزد بغ (است)». در تحریر یونانی به

جای «اورمزد»، «ژئوس» آمده است. این دو کتیبه ظاهراً کهن ترین سنگ نبشته های ساسانی هستند. (راشد محصل، ۱۳۸۱، ۸۶)

بند اول: کتیبه ها و نقش برجسته های شاپور اول

انگیزه اصلی شاپور فرزند و جانشین اردشیر اول، پس از نشستن بر تخت (۲۴۱ تا ۲۷۲ م) به اجرای نقش برجسته ها و کتیبه های یادمانی زاده ی شکستهای سختی بود که او توانست بر سپاهیان روم وارد آورد. تقابل دو امپراطوری ایران و روم از همان دوران فرمانروایی اردشیر در مرزهای غربی آغاز شده و اغلب با برتری نیروی جنگی ایرانیان ادامه یافته بود. در واقع با اعلام صریح اراده ی اردشیر به احیای امپراطوری هخامنشی شعله ور شدن نایره ی نبرد میان ایران و روم اجتناب ناپذیر بود. لشکر کشیهای شاپور به جبهه ی غرب منجر به اسیر کردن والرین و منهزم ساختن سپاهیان در شهر ادِسا به سال ۲۶۰ ب.م گردید. خونبهای والرین برای آزادی او هیچ گاه از طرف رومیان پرداخته نشد و او تنها امپراتوری بود که با وضعی خفت بار در اسارت جان داد. شاپور گزارش این پیروزیها را در کتیبه ای استثنایی و بسیار مهم روی دیوارهای برج سنگی به نام کعبه ی زردشت که از زمان هخامنشیان در محل نقش رستم بر جا مانده بود حک کرده است. (فریه، ۱۳۷۴، ۶۷) کتیبه شاپور اول در نقش رجب که به سه زبان پهلوی ساسانی، پهلوی اشکانی، و یونانی نوشته شده است و نشان می دهد که نقش متعلق به شاپور پسر اردشیر است. (کریستین سن، ۱۳۸۹، ۶۵) این نقش برجسته که از کیفیت چشمگیری برخوردار است و شاپور را بر روی اسب همراه گروهی از سرکردگان خود نشان می دهد. پیکره ی شاه در اینجا بسیار قابل توجه است و او را نشسته بر روی اسب در حالت ویژه ای نمایانده در حالیکه سرو سینه اش کاملاً باز نمایی شده است. (بوسایلی، شراتو، ۱۳۷۶، ۷۱) کتیبه شاپور اول در حاجی آباد که به دو زبان پهلوی ساسانی و پهلوی اشکانی نوشته شده و حکایت تیر انداختن پادشاه

است. متن این کتیبه در آخر کتاب بندهشن چاپ و سترگارد انتشار یافته است (کریستین سن ، ۱۳۸۹، ۶۵) دکتر ابوالقاسمی در کتاب زبانهای باستانی ایران متن این کتیبه را حرف نویسی و آوانویسی و سپس ترجمه نموده اند که عبارت است از «۱) این تیر رَس من خدایگان مزدیسن ، شاپور ، شاهان ۲) شاه ایران و انیران ، ک[ش] چهر از ایزدان ۳) پسر خدایگان مزدیسن ، اردشیر ، شاهنشاه ایران ، ۴) ک[ش] چهر از ایزدان ، نوه ی خدایگان پاپک شاه [است]. ۵) هنگامی که این تیر افگندیم ، پس پیش شهریاران ۶) و شاهزادگان و بزرگان و آزادان افکندیم و پای به ۷) این تخته سنگ نهادیم و تیر فراز آن چینه ۸) بیفگندیم . اما آنجا که تیر افگندیم ۹) آنجا آن جایگاه چنان نبود که اگر چینه ۱۰) چیده شدی ، پس [از] بیرون پیدا بودی (جای افتان تیر گود بوده است) ، ۱۱) پس ما فرمودیم که چینه را آن سوتر (دور تر از جای فرود آمدن تیر) ۱۲) چیدن . کرا دست نیک استی ، آن پای به ۱۳) این تخته سنگ نهدی و تیر به آن ۱۴) چینه افگندی ، پس آن که ۱۵) تیر به آن چینه افگند ۱۶) وی را دست نیک [است]. (ابوالقاسمی، ج اول ، ۱۳۷۵ ، ۱۶۳) سنگنوشته ی شاپور اول برد دیوار کعبه ی زردشت^۱ به سه زبان . شاپور در این نوشته ی مفصل پس از معرفی خود، استانهای کشور را نام می برند و سپس به ذکر سه لشکر کشی خود علیه رومیان و سرزمینهایی که به تصرف او درآمده است می پردازد . سپس آتشکده هایی را نام می برد که برای رستگاری روان خود و خاندانش برپا داشته و از نثارها و موقوفاتی که برای آنها اختصاص داده است یاد می کند . سنگنوشته با دعا و اندرز پایان می پذیرد . سنگنوشته شاپور اول در بیشابور (کازرون) به دو زبان پهلوی و پارتی کتیبه درباره ی پیکره ای است از شاه که به خواست آپسای دبیر ساخته شده است و شاه در برابر ، بدو پاداش بخشیده است . تاریخ سنگنوشته مطابق با ۲۶۶ میلادی است . (آموزگار ،

تفضلی ، ۱۳۸۲ ، ۲۰)

بند دوم: قلمرو ایران در کتیبه ی کعبه زردشت

حدود قلمرو فرمانروایی پادشاهی ساسانی پس از سلسله ی هخامنشی در ادوار پیش از اسلام از با وسعت ترین امپراتوریهای جهان بوده است تا کنون کتیبه ای از اردشیر اول بنیانگذار این سلسله که به حدود و ایالات ایران اشاره کرده باشد بدست نیامده است اما مهمترین کتیبه ی شاپور اول که در واقع مفصل ترین کتیبه ساسانی نیز می باشد در نقش رستم که بردیوار کعبه ی زردشت حک شده است به این موضوع می پردازد علی سامی در کتاب تمدن ساسانی ترجمه ی این کتیبه را در مورد ایالات و حدود ایران چنین آورده است . « اینها هستند امارات و ایالات امپراتوری ایران : پارس - پارت - خوزستان - میشان - آشور - آدیابن - عربستان - آتروپاتکان (آذربایجان) ارمنیا (ارمنستان) ویرچان - سیکان - آردان - بالاسکان تا حدود کوهای کاپ - قفقاز - تنگه آلان و کلیه کوههای پارشخوار (طبرستان) - ماد - ورکان - مارگو - (مرو) - خرو (هرات) و تمام آپارخستر - کرمان - سیستان - تورستان - مگوران - پرتان - کنیدستان (هندوستان) - کوشان تا حدود پشکابور (پیشاور) - تاکاش (کاشغر) سوگد (سغد) و کوههای چاچستان تا آن قسمت از دریا به نام داخی خسترو و ما آن راهرمزد ارد شیر شاپور نامیدیم و این کشورها و مملکتها و ایالات زیاد خراج گذار و مطیع فرمان ما شده اند . (سامی ، ج دوم ، ۱۳۸۸ ، ۲۴۵) سپس شاپور اول پس از ذکر جنگهای خود و فتوحاتش و پیروزی بر فیلیپ قیصر روم شهرهایی را که از رومیان گرفته است به این صورت بیان می کند . « شهر آنات و کلیه نواحی اطراف آن - دژ اسپوراکان و کلیه نواحی اطراف آن و شهر سورا و کلیه نواحی اطراف آن باربالیسوس - منبوک - حلب - گین چرای - آپوما یا - رانی پوس - زوگما - ادریما - گنیدار - آژمیخ - سلوکیه - آنتیوک - کورس سلوکیه دیگری - اسکندریه - نیکوپولیس - سزار - خامات - اریستون - دیکول - دولا - دور کو - سرسزیم -

ژرمانیسیا - بات نی - خانار در کپدوکیه - ساتالا - دمانا - آرتان - گیل - سویزر -
سوتیدا - فربتا و کلیه شهرها با نواحی اطراف آبادی را مسخر کردیم » (سامی ، ج دوم ،
۱۳۸۸ ، ۲۴۵)

بند سوم: کتیبه های صخره ای شاپور دوم

همانطور که پیشتر گفته شد بیشتر یادمانهای ساسانی و صخره نویسیها و نقوش برجسته ی ساسانیان در پارس وطن آنها می باشد اما از زمان شاپور دوم این کار پایان می یابد و حجاریها بیشتر در غرب و شمال غربی ایران تداوم می یابد. دریایی در این زمینه در کتابش آورده است. دقیقاً از زمان شاپور دوم خلق یادمان های ساسانی در پارس متوقف می شود و در شمال غرب ایران ادامه می یابد . احتمالاً با رواج القاب و چهره ی جدیدی از پادشاه کاخ سلطنتی جدیدی نیز لازم بوده است . مکانی که به تیسفون و خوزستان که شاپور دوم بیشتر اوقاتش را آنجا می گذراند نزدیک تر باشد . سبک هنری این آثار با آثار موجود پارس اساساً متفاوت است . در این زمان تصویر میترا و اورمزد اهمیت بیشتری یافت . برخی از پژوهشگران برآنند که نقش برجسته ی طاق بستان در واقع شاپور دوم و مهر (میترا) و اورمزد را در دو سوی او نشان می دهد و شاپور این سنگ نگاره را به یاد بود پیروزی اش بر یولیانوس نقش کرده است . نقش برجسته ی دیگر در سمت چپ بنا بر کتیبه ها ، قطعاً شاپور دوم و شاپور سوم را نشان می دهد . (دریایی ، ۱۳۹۱ ، ۶۶) در رابطه با این کتیبه سامی در کتاب تمدن ساسانی آورده است . « در دامنه ی کوه پرو نزدیک کرمانشاه نقوش برجسته ای از شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) و شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸) وجود دارد . در دو طرف یکی از نقوش دو کتیبه پهلوی به نام شاپور دوم بدین مضمون دیده میشود : در این

خداوندگار نرسی شاه شاهان است» و کتیبه دیگر به نام شاپور سوم پسر شاپور بزرگ (۳۸۲-۳۸۵ م) در سیزده سطر با مضمون زیر است «پیکر مزدا پرست خداوندگار شاهپور شاه ایران و غیر ایران از نژاد آسمانی زاده خدایان پسر مزدا پرست شاپور شاه شاهان ایران و غیر ایران از نژاد پاک آسمانی، زاده ی خدایان، نوه خداوندگار هرمز شاهنشاه است. (سامی، ج دوم، ۱۳۸۸، ۲۹) کتیبه ای دیگر از شاپور دوم در تخت جمشید قرار دارد و سامی در جای دیگر از تمدن ساسانی آورده است. «دو کتیبه در جزر جنوبی کاخ تچر کنده شده که مربوط به سالهای بین ۳۱۰ و ۳۷۹ میلادی و سال بیست و دوم سلطنت شاپور دوم است. کتیبه بالای ۱۲ سطر و مضمون آن چنین است: «در ماه سپندارمز در سال بیست و دوم پادشاهی خداوندگار مزدا پرست شاهپور شاه شاهان ایران و غیر ایران فرستاده خدا به دیدار تخت جمشید می رود». نام چند تن از همراهان نیز در کتیبه ذکر شده و دستور ساختمان یک ستون سنگی را می دهد. در آخر کتیبه نوشته شده که شاه دعا و برکت و آمرزش به روح پدر و نیا و سایر شهriاران و کسی که کاخ تخت جمشید را ساخته تقدیم کرده. (سامی، ج اول، ۱۳۸۸، ۶۶)

بند چهارم: آثار صخره ای بهرام دوم

نقوشی از وهرام دوم باقی است که از لحاظ باستان شناسی جالب توجه است. در نقش رستم در جوار صورت تاجگذاری اردشیر اول کتیبه ای است کوچکتر از آن که به امر وهرام حجاری شده و شاه را پیاده در وسط خانواده اش نشان می دهد. زیرا این پادشاه همواره مایل بود که در کتیبه به صورت پدر خانواده نمایش یابد. بر سکه های او شاه و ملکه به طور نیمرخ منقوش شده و در مقابل آن ها صورت شاهزاده کوچکی دیده میشود که رو به طرف آنها کرده است. پادشاه تاجی بر سر دارد که گویی منسوج و دو بال بر آن ترسیم شده^۱ ولی کلاه ملکه و شاهزاده به شکل سر حیوانات است. در زیر کتیبه پهلوی

بزرگ سر مشهد یک مجلس حجاری مربوط به بهرام دوم است. بهرام در این نقش در حال نبرد و کشتن شیری است و لاشه شیر دیگری که قبلاً کشته شده است، در روی زمین افتاده است. بهرام با دست چپ از ملکه که در طرف چپ او قرار گرفته است، حفاظت می کند. لباس شاه و ملکه در این نقش مانند لباس نرسی و مظهر آناهیتا است در نقش رستم. چینهای لباس که تا پشت پا کشیده میشود بخوبی نمایان است و تاج گوی مانند شهریار ساسانی بر تارکش روی زلفان پر پشت او مشاهده میشود. مقداری از زلفان او افشان و از بالای دوشش به پشت سر ریخته است. دو نفر که از وزرا و رجال درجه اول در باری هستند، پشت سر شاه و ملکه به حال احترام ایستاده اند، زن این نقش را مظهر آناهیتا(ناهید) نیز گفته اند، زیرا به طوری که گفته شده لباس او عیناً مثل لباس مظهر آناهیتا در نقش رستم است. (سامی، ج دوم، ۱۳۸۸، ۱۲۵)

بند پنجم: کتیبه ها و نقوش صخره ای نرسی

کتیبه مفصلی که در مرز ایران و عراق و در خاک عراق (کردستان شمالی) واقع است و بر روی برج سنگی که شکل نرسی (۲۸۲-۳۱۰) فرزند شاپور اول بر روی آن نقش شده نوشته شده است. پایکولی در کوهی بین گنرک قدیم و تیسفون (مدائن) واقع شده و خرابه این اثر امروز به بتخانه آتشکده معروف است و پنج نقش در آنجا حجاری شده که مربوط به نرسی است. و به طور کلی کتیبه ها و نقوش به یاد بود غلبه ی نرسی بر بهرام سوم در محلی که هنگام عزیمت از ارمنستان به تیسفون بزرگان کشورها به او پیوسته اند بنا شده است. کتیبه ها در حدود ۴۷ سطر مفصل به خط پهلوی اشکانی و ساسانی است. (سامی، ج اول، ۱۳۸۸، ۲۶) باگرد آوردن و منظم ساختن قطعات سنگها، کتیبه تا حد

امکان به خوبی بازسازی شده است. در این سنگنوشته نخست نرسی خود را معرفی می کند، سپس از رویدادهایی سخن می گوید که موجب به قدرت رسیدن او شده است.

آنگاه به ذکر نام کسانی می‌پردازد که او را در این راه یاری کرده‌اند. (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲، ۲۲) در بیشابور در زیر نقش بهرام اول کتیبه‌ای وجود دارد که در اصل نام این پادشاه را در برداشته است. کتیبه به فارسی میانه و دارای یازده سطر است و در متن آن آمده است: «پیکره این مزدیسن، بغ نرسی، شاهان شاه ایران و انیران که چهرنژاد از ایزدان، پسر مزدیسن بغ شاپور شاهان شاه ایران و انیران که چهرنژاد از ایزدان، نوه بغ اردشیر شاهان شاه است. (وثوقی، ۱۳۸۷، ۷۵) کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان کتیبه دیگر نرسه در نقش رستم را چنین بیان می‌کند «نرسه کیفیت تاجگذاری و سلطنت خداداد خود را بر تخته سنگ نقش رستم حجاری کرده است و این همان طرز معروف قدیم است. یعنی پادشاه حلقه نوار دار را که علامت سلطنت است از دست خداوند می‌گیرد. خدا در اینجا زنی است و زاره تصور می‌کند اناهی‌د باشد. پادشاه نیم تنه تنگ معمولی را پوشیده است. تاجی که در بعضی سکه‌های نرسه دیده می‌شود، شکل کلاه کوتاهی با خطوط عمودی دارد که گویی بزرگ منسوج بر روی آن قرار گرفته است، گیسوان مجعد که به مقدار زیاد بر شانه‌هایش افتاده و ریش نوک دار که انتهای آن در یک حلقه قرار گرفته و نوارهایی که در پشت سر او موج می‌زند و گردنبد مرواریدی که انداخته تمام این‌ها را به همان اسلوب معمول باستانی نقش کرده‌اند. الهه تاج‌کنگره دار سرگشادی را بر سر گذاشته که حلقه‌های مجعد موی از فراز آن پدیدار است. و این تاج مخصوص خدایانی است که در نقوش ساسانیان دیده می‌شود، گیسوان بافته او بر گردن و شانه‌اش فرو ریخته است. قبای او به وسیله تکمه‌های منقوش در زیر گردن بند مروارید بر روی سینه اتصال یافته و کمر بندی بر آن بسته شده است. بین شاه و الهه صورت طفلی دیده می‌شود که بسیار ضایع شده و شاید پسر نرسه باشد که بعدها به نام هرمز دوم به سلطنت

رسید در پشت شاه یکی از نجای بزرگ ایستاده که کلاهی بلند به شکل سراسب بر سر دارد و به حالت احترام معمول دست را بلند نگاه داشته است. (کریستین سن ، ۱۳۸۹ ، ۲۴۰)

بند ششم: کتیبه های کرتیر موبد موبدان

کرتیر یا (کردیر) یکی از روحانیون بزرگ زردشتی در اوایل عصر ساسانی است و او را عامل اجرای سیاست رسمی اتحاد دین و دولت می دانند او در مدت سلطنت شش پادشاه ساسانی می زیسته است . آگاهی ما از زندگی « کرتیر » و کارهای سیاسی و کوششهای دینی او از سنگ نوشته ها و گزارشهای خود اوست او در چهارکتیبه گسترده و مفصل کارها و اقدامات خود را شرح داده است . احتمالاً او در زمان شاپور اول عنوان «هیربد» یافته است . در زمان هرمز اول (۲۷۲ تا ۲۷۳ م) پسر و جانشین شاپور اول کرتیر ملقب به موبد اورمزد گردید . پس از هرمز برادر او بهرام اول (۲۷۳ تا ۲۷۶ م) پسر دیگر شاپور اول به پادشاهی رسید و در این زمان قدرت کرتیر افزونتر شد و احتمالاً با توطئه او بود که مانی به قتل رسید . پس از بهرام پسر وی بهرام دوم (۲۷۶ تا ۲۹۳ م) به پادشاهی رسید و کرتیر به نهایت قدرت رسید . و با ادیان دیگر به مبارزه برخاست آتشکده ها بر پا کرد برای آنها موقوفات فراهم آورد و به رفاه حال روحانیون پرداخته است . در دوران این پادشاه است که وی چهار کتیبه خود را به پهلوی نگاشته است . (وثوقی ، ۱۳۸۷ ، ۷۳) اما پیش از آن کرتیر در عهد شاپور اول نقش کوچکی به عهده داشته است . عنوان او تنها هیربد (هرپت) به معنی نگهبان آتش است . در طول زمامداری هرمز اول و بهرام اول وی عنوان مهمتری گرفت : وی دیگر کرتیر موبد اهورامزدا است . موبد قاعداً باید طبقه ای دیگر از روحانیون در کنار هرپت باشد . در هر صورت کرتیر در زمان بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶ م) به

آناهیتا جلوه گری شده است و بعد مانویت و حتماً هم مغان ماد قدیم در این کار دستی داشته اند آخرین باری که ما از کرتیر خبر داریم در کتیبه ی پایکولی شاه نرسه است که در آنجا موبد هرمز نامیده می شود. (شیمپمان، ۱۳۹۰، ۱۰۴-۱۰۲)

کتیبه های کرتیر به ترتیب زیر می باشند :

۱- کعبه زردشت در نقش رستم و در زیر کتیبه ی شاپور اول قرار دارد و این کتیبه درای ۱۹ سطر است و موضوع آن به معرفی کرتیر لقب هاو عنوان هایش در زمان پادشاهها ساسانی ، ذکر تلاشش برای گسترش دین زردشتی و مبارزه با کیشهای دیگر چون مسیحیت ، مانویت و یهودیت ، بنیانگذاردن آتشکده ها ، اصلاح موبدان گمراه ، ذکر نام شهر ها و داستانهایی که در زمان شاپور تصرف شد و به دعایی در پایان محدود می شود ، در همین کتیبه است که وی متذکر می شود که بهرام دوم قام و رتبه وزرگ (بزرگ) به او بخشیده و او را موبد و دادور (داور و قاضی) سراسر امپراطوری کرده و مقام مدیر و مرجع آتش آناهید - اردشیر و آناهید بانو در استخر را به او سپرده است . (اکبر زاده ، ۱۳۸۶، ۱۷)

۲- کتیبه کرتیر در نقش رجب : نقش رجب در دامنه کوه رحمت در فاصله یک و نیم کیلومتری جنوب شهر استخر و در حدود سه کیلومتری شمال تخت جمشید واقع شده است . کتیبه کرتیر در کنار نقشی مربوط به تفویض مقام شاهی از سوی اورمزد به اردشیر نگاشته شده است و دارای سی و یک سطر است او در این کتیبه به موضوعات زیر اشاره می کند .

- معرفی خود و القابی که داشته است و شرح کارهایی که برای پادشاه انجام داده است .

- شرح معراج خود - شرح کمک به بنیان نهادن آتشکده ها و قرار دادن موقوفات .
- شرح عناوین مختلف خود در دوره های مختلف پادشاهان ساسانی (وثوقی، ۱۳۸۷، ۷۳)

۳- کتیبه کرتیر در نقش رستم : این کتیبه که به زبان پهلوی و در اصل در ۷۹ سطر تحریر شده است در زیر نقش برجسته کرتیر در نقش رستم قرار گرفته است . این کتیبه پس از کتیبه سر مشهد از بیشترین آسیب دیدگی برخوردار است تا جایی که در سراسر کتیبه حتی یک سطر کامل و سالم نمی توان مشاهده کرد . این کتیبه از نظر محتوا با دو کتیبه دیگر کرتیر یعنی کتیبه نقش رجب و کعبه زردشت که در این جا مورد بررسی قرار گرفته همانند است . (تفضلی ، ۱۳۷۶، ۹۳)

مهمترین موضوعات این کتیبه ها عبارت اند از : - معرفی کرتیر القاب او - فهرست ایالات ایران - فعالیت کرتیر در مبارزه با ادیان دیگر - بر پا کردن آتشکده ها در شهر های گوناگون - معراج کرتیر که مفصلترین روایت از عروج اوست و بیانگر نحوه اعتقادات زردشتی و نشانه های مقدس آن است در پایان معراج نامه سخن از کاخهایی به میان می آید که در آنها شهریارانی بر تخت نشسته اند که احتمالاً منظور از آنها طبقات آسمان پیش از رسیدن به بهشت است . (وثوقی ، ۱۳۸۷، ۷۴)

نتیجه گیری

با بررسی و مطالعه منابع تاریخ نگاری صخره ای ایران باستان می توان چنین نتیجه گرفت که بخش مهمی از آگاهی های تاریخی مستند و دست اول ما از تاریخ ایران باستان از کتیبه های صخره ای استخراج میشود . کتیبه های که بر روی سنگهای سخت حکاکی شده و این کار طاقت فرسا باعث ماندگاری آنها در طول قرون متمادی گشته است و در قرن

نوزدهم با رمزگشایی خطوط باستان در واقع بسیاری از دوره های تاریخ ایران که با گذشت ایام فراموش شده بود بر روی علاقمندان گشوده شد ، بررسیها نشان می دهد که در عهد ساسانیان چون دبیران از خواندن کتیبه های میخی عهد هخامنشی و حتی قبل از آن عیلامی عاجز بودند از اینرو در آثار تاریخی مکتوب این دوره به تاریخ پادشاهان عیلام و ماد و هخامنشی اشاره ای ندارد و رویدادهای، تاریخی مغرب و جنوب ایران در آنها نادیده گرفته شده است و پادشاهان کیانی و هخامنشی را یک دانسته اند که امروزه به یاری این کتیبه های صخره ای ماندگار در کوههای ایران از جمله بیستون و نقش رستم و قصور تخت جمشید است که دوران تاریک تاریخی تا حدودی برای ما روشن شده است و در ادوار بعدی نیز از جمله عهد ساسانی نیز تلاشی که سلاطین این دوره در نگاشتن کتیبه ها و حجاریهای صخره ای داشتند منابع تاریخ نگارانه ی غیر قابل انکار برای آیندگان به یادگار گذاشته اند که می تواند مکمل کتب و سایر آثار تاریخی آن عهد باشد ، از جمله کتیبه ی مفصل شاپور اول در دیواره ی کعبه زردشت بسیاری از فتوحات و اقدامات اداری و مذهبی و مناطق تحت سیطره ی ایران در آن دوره را آشکار می سازد و در همین راستا کتیبه های متعدد کرتیر موبد موبدان عهد شاهان اولیه ساسانی در واقع بیانگر اقدامات این شخص در تحکیم مبانی دین زردشت و مبارزه با سایر ادیان و پیروان آنها در عهد ساسانیان می باشد . که خود حاکی از وحدت بین دین و دولت در عصر ساسانیان است . و مصداق روشن بیت زیر از فردوسی که از زبان اردشیر ساسانی بنیانگذار این سلسله نقل قول می کند.

منابع و مأخذ

۱. آموزگار ، تفضلی ، ژاله ، احمد ، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن ، ۱۳۸۲ ، انتشارات معین ، چاپ چهارم ، تهران
۲. ابوالقاسمی ، محسن ، راهنمای زبانهای باستانی ایران ، ۱۳۷۵ ، جلد اول، انتشارات سمت ، چاپ اول ، تهران
۳. اکبر زاده ، داریوش ، کتیبه های پهلوی ، ۱۳۸۶ ، انتشارات پازینه ، تهران
۴. بوسایلی ، شراتو - ماریو ، امبرتو، هنر پارتی و ساسانی ، ترجمه یعقوب آژند ، ۱۳۷۶، انتشارات مولی ، چاپ اول ، تهران
۵. پیرنیا ، حسن ، تاریخ باستانی ایرن ، چاپ اول ، ۱۳۶۲ ، انتشارات دنیای کتاب ، تهران
۶. پیرنیا ، حسن ، تاریخ ایران قبل از اسلام ، چاپ چهارم ، ۱۳۹۱ ، انتشارات سپهر ادب ، تهران
۷. تفضلی ، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ، ۱۳۷۶، انتشارات سخن ، تهران
۸. خدادایان ، اردشیر، تاریخ ایران باستان اریایی ها و مادها و هخامنشیان سلوکیان ، ۱۳۸۶ ، انتشارات سخن ، جلد اول ، چاپ دوم ، تهران
۹. داند امایف م. آ. ، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی ، ترجمه روحی ارباب ، ۱۳۷۳ ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ دوم ، تهران
۱۰. دریایی . تورج ، ناگفته های امپراطوری ساسانیان ، ترجمه آهنگ حقانی . محمود فاضلی بیرجندی، ۱۳۹۱، انتشارات پارسه ، چاپ اول ، تهران
۱۱. راشد محصل ، محمد تقی ، کتیبه های ایران باستان ، ۱۳۸۱ ، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ سوم ، تهران

۱۲. رجبی ، پرویز ، تاریخ ایران در دوره ی سلوکیان و اشکانیان ، مصحح دکتر باقر علی عادل‌فر ، ۱۳۸۳، انتشارات پیام نور ، چاپ اول ، تهران
۱۳. زرین کوب ، عبدالحسین ، تاریخ مردم ایران ، ایران قبل از اسلام ، ۱۳۸۶ ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ دهم ، تهران
۱۴. سامی . علی ، تمدن ساسانی ، ۱۳۸۸ ، انتشارات سمت ، جلد اول و دوم ، چاپ اول ، تهران
۱۵. شریعت زاده ، سید علی اصغر ، سخنان شاهان هخامنشی در تخت جمشید، ۱۳۸۹ ، انتشارات موسسه فرهنگی پازینه ، چاپ دوم ، تهران
۱۶. شیپمان . کلاوس، مبانی تاریخ ساسانی ، ترجمه کیکاووی جاننداری ، ۱۳۹۰، انتشارات فرزانه روز ، چاپ سوم ، تهران
۱۷. فریه ، ر. دبلیو ، هنرهای ایران ، ترجمه ی پرویز مرزبان ، ۱۳۷۴ ، انتشارات افست ، چاپ اول ، تهران
۱۸. کاژدان . آ ، نیکوسکی . ن ، آبراموویچ . آ ، ایلین . ژ. ، فیلیپ اف . آ ، تاریخ جهان باستان ، ۱۳۵۳ ، نشر اندیشه ، جلد اول شرق ، مترجمین ، صادق انصاری و علی الله همدانی ، محمد باقر مومنی ، چاپ چهارم ، تهران
۱۹. کریستین سن ، آرتور، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه ی رشید یاسمی ، ۱۳۸۹، انتشارات نگاه ، چاپ سوم ، تهران
۲۰. لوکوک ، پی یر ، کتیبه های هخامنشی ، ترجمه نازیلا خلخالی ، ۱۳۸۱، انتشارات فرزانه روز ، تهران
۲۱. محمد پناه ، بهنام ، کهن دیار مجموعه آثار ایران باستان در موزه های بزرگ جهان، ۱۳۹۱، انتشارات سبزان ، جلد اول ، چاپ چهارم ، تهران

۲۲. محمدی ، محمد ، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، ۱۳۷۴ ، تهران
۲۳. مشکور ، محمد جواد ، تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه ، ۱۳۸۱ ، انتشارات اشراقی ، چاپ هفتم ، تهران
۲۴. وثوقی ، محمد باقر ، بررسی منابع و مأخذ تاریخ ایران پیش از اسلام ، ۱۳۸۷ ، انتشارات پیام نور ، چاپ چهارم ، تهران
۲۵. وزیری ، علینقی ، تاریخ عمومی هنرهای مصور ، جلد اول پیش از تاریخ تا ظهور اسلام ، ۱۳۷۳ ، انتشارات هیرمند ، چاپ سوم ، تهران
۲۶. هاشمی ، حمید ، کتیبه بیستون تاریخ هخامنشیان از زبان داریوش ، ۱۳۹۱ ، انتشارات فرهنگ و قلم ، چاپ اول ، تهران
۲۷. یار شاطر ، احسان ، و دیگران ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان ، جلد سوم - قسمت اول ، ترجمه حسن انوشه ، ۱۳۸۷ ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ پنجم ، تهران